

امروزه دستیابی به رفاه همگانی و عدالت اجتماعی در جامعه، از هدفهای اصلی مکتب‌ها و دولتهاست؛ زیرا، با وجود دستاوردها و پیشرفت‌های چشمگیر بشر در دهه‌های اخیر، هنوز بسیاری از انسان‌ها در سراسر جهان از دستیابی به حداقل‌های زندگی محروم هستند. در این میان با يك بررسی کوتاه به نظر می‌رسد که با وجود آنکه بودن شمار کشورهای که هنوز زیر سلطه مارکسیسم هستند و با چشم‌پوشی از دستاوردهای منفی آنها، این کشورها در ارایه راه‌حل برای برخی از مشکلات نااندازه‌ای موفق بوده‌اند.

در این مقاله تلاش شده است با مطالعه اسنادی، اوضاع و شرایط این کشورها بررسی شود و با سنجش اصول بنیادی و حاکم بر آنها، نکات مثبت و تجربه‌های سودمند استخراج گردد.

## مارکسیسم، شهر و برنامه‌ریزی شهری

### ۱- پیشگفتار

شده است. امروزه هیچ کس نمی‌تواند از تضادهای اجتماعی سخن بگوید و به مفاهیم گردآوری شده توسط مارکس توجه نکند. البته طرح این نظریه‌ها دلیل پذیرش آنها نیست، بلکه هدف آن است که این اندیشه‌ها و نظریه‌ها مورد بحث و تحلیل قرار گیرد و نکات مثبت و منفی آنها شناخته شود.

### ۲- مارکسیسم چیست؟

مارکسیسم يك تئوری کلی درباره زندگی اجتماعی است. نام این تئوری برگرفته از نام کارل مارکس است که با یاری فسر دریک انگلس (۱۸۹۵-۱۸۲۰) آن را وضع کرده است. (برنر، ۱۳۵۸، ص ۵) کارل هنریش مارکس در پنجم مه ۱۸۱۸ در شهر تریه بر دنیا آمد و در محیط يك طبقه متوسط با شیوه تربیت لیبرالی رشد یافت. او پس از گذراندن دبیرستان در سال ۱۸۳۵ در دانشگاه بن نام‌نویسی کرد، اما سال بعد به برلین رفت تارشته حقوق را ادامه دهد؛ سپس رشته فلسفه را برگزید و تحصیل خود را تا گرفتن درجه دکتری در سال ۱۸۴۱ ادامه داد. وی از سال ۱۸۶۳ نخستین بخش یادداشت‌های اقتصادی‌اش را برای چاپ آماده کرد. کتاب مشهور او که سرمایه نام دارد، در سال ۱۸۶۳ در هامبورگ در هزار نسخه منتشر شد و پس از آن کتاب دیگری به نام اقتصاد سیاسی به چاپ رساند. مارکس سه شالوده کمونیسم، یعنی فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک، اقتصاد

در روزگار آشفته و پریشان جهان امروز، معضلات و مشکلات بسیار چون بیعدالتی، وابستگی، بیکاری، کمبود درآمد، بیماری، حاشیه‌نشینی و... سخت در سیمای جامعه شهری بسیاری از کشورها نمایان است. ساختار اجتماعی - کالبدی شهرها همواره ناشی از نظریه‌های گوناگونی است که از اندیشه حاکم بر آنها سرچشمه می‌گیرد. از این رو، در تحلیل و طرح برنامه‌های مناسب، مفاهیم کلیدی مانند ایدئولوژی حاکم، نوع قدرت، تصمیم‌گیری‌های سیاسی و ساختار جامعه تأثیر بسزا دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد که بهترین راه‌حل ممکن برای رفع مشکلات و دستیابی به افق‌ها و دیدگاه‌های تازه در برنامه‌ریزی شهری، بررسی اوضاع در کشورهای گوناگون و بررسی تجربه‌های مثبت و منفی به دست آمده از اندیشه حاکم بر آنها باشد؛ زیرا راکد ماندن گنجینه‌های اطلاعاتی، سبب بیخبری می‌شود و در نتیجه، بسیاری از تجربه‌ها و دستاوردهای نامناسب، بارها و بارها تکرار خواهد شد.

در این مقاله نخست مارکسیسم و نظریه‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی آن با توجه به ساخت‌های شهری مورد بررسی قرار گرفته و سپس نمونه‌های آن در کشورهای مارکسیستی بیان

دکتر مسعود تقوایی  
عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان  
نازنین تبریزی  
دانشجوی کارشناسی ارشد  
برنامه‌ریزی شهری

که از لحاظ طبیعی، ما انسان‌های آزاد و برده داریم؛ یکی مسلط و دیگری مغلوب است. (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۱۵۷) اما اگر به این پیش فرض ارسطو توجه نکنیم و انسان‌ها را به لحاظ طبیعی یکسان بدانیم، آنگاه در مطالعه و تبیین نابرابری‌های اجتماعی، بر خصلت اجتماعی و در ارزش‌ها، بر هنجارها و قواعد اجتماعی مؤثر در کاهش و افزایش نابرابری اجتماعی تأکید می‌شود. بنابراین، اگر انسان‌ها به لحاظ طبیعی یکسان باشند، طبعاً نابرابری اجتماعی نمی‌تواند ریشه در طبیعت انسان داشته باشد. (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۱۵۷) این موضوع یکی از اعتقادات اصلی مارکسیسم و پایه بسیاری از عقاید و برنامه‌ریزی‌های آن است.

بر سر هم می‌توان گفت که مارکسیسم در مرحله نخست به توده مردم توجه دارد و معتقد است که علم حقیقی باید مربوط به توده مردم باشد و فقط در مواردی از فرد سخن بگوید که آن فرد نقش مهمی در برخی از جنبش‌های مردمی داشته باشد. (برنر، ۱۳۵۸، ص ۱۰) نخستین گام در تشکیل جامعه مورد نظر مارکسیست‌ها این است که محصولی که اجتماع تولید کرده است، باید به اجتماع واگذار شود؛ یعنی، به‌طور کلی، اجتماع باید مالک وسایل تولید باشد.

در واقع، مالکیت خصوصی وسایل تولید از پیشرفت تولید جلوگیری می‌کند و مانع بهره‌گیری کامل از نیروهای ایجاد شده به دست بشر است. بنابراین، انتقال مالکیت به اجتماع به معنی هموار کردن راه است.

(برنر، ۱۳۵۸، ص ۷۳) در این جامعه، هرگز تولید اضافه وجود نخواهد داشت زیرا همه محصول و لوازم مصرفی، به مردمان تخصیص داده شده است و تولید و توزیع در اجتماع بر اصل از هر کس به اندازه توانایی‌اش و به هر کس به اندازه نیازش استوار است.

### ۲-۳- شیوه‌های تولید

باید گفت که بخش بزرگی از نظریه‌های مارکس به تحلیل فرایند و شیوه‌های تولید و تأثیر آن بر زندگی توده مردم اختصاص دارد. بر پایه نظریه‌های مارکس، در ساختار جامعه اقتصاد

جامعه‌شناسی را مدون ساخت و با بررسی تاریخ تحول جوامع، زندگی اجتماعات بشری را به پنج دوره اجتماع اشتراکی اولیه، بردگی، فئودالیت، سرمایه‌داری و سوسیالیسم تقسیم کرد. (دهخدا، ۱۳۵۲، حرف م، ص ۳۹) نظریات و ایده‌های مارکس در مواردی جالب توجه است: برای نمونه، پیش‌بینی سقوط اقتصاد سرمایه‌داری در سال ۱۹۲۹. (Harp, 1999, p. 246) در جامعه مورد نظر مارکس، دیگر تراز زیر دست و اختلاف طبقاتی وجود نخواهد داشت؛ اختلاف بین شهر و روستاها از میان خواهد رفت و امکانات گوناگونی که در شهرهاست، در روستاها هم پدید خواهد آمد.

مارکسیسم که یکی از جنبش‌های فکری عمده سده‌های نوزدهم و بیستم به‌شمار می‌آید، در صدسال گذشته تأثیر گسترده‌ای بر تاریخ و اندیشه‌های غربی و جهانی، از جمله رادیکال کردن جو فکری سده بیستم در سطح جهان داشت. با این حال، در مورد یکدست بودن یا تعارض درونی و نیز محتوا و جوهر آن میان مارکسیست‌ها اختلاف نظر وجود داشته است، هر چند همگی به شیوه‌ای تغییر خود از مارکسیسم را به آثار مارکس مستند می‌کنند و مدعی درستی آن تعبیر هستند. بدین سان در سده بیستم گونه‌هایی از مارکسیسم پدید آمد که در بیشتر موارد حتی از چارچوب مقصود خود مارکس نیز فراتر رفت. از آنجا که نمی‌توان انواع گوناگون و متعارض مارکسیسم را حاصل جمع اندیشه‌های مارکس به‌شمار آورد، بنابراین مارکسیسم بسیار گسترده‌تر از اندیشه‌های مارکس است (بشیریه، ۱۳۸۰، ص ۲۱) و در واقع مهمترین مکتب‌های مارکسیستی سده بیستم از ترکیب و جویی از اندیشه‌های مارکس و دیگر اندیشمندان پدید آمده است.

### ۳- اصول بنیادی مارکسیسم

#### ۱-۳- توده مردم

بسیاری از اندیشمندان و نظریه‌پردازان از گذشته تا امروز، انسان‌ها را از لحاظ طبیعی، متفاوت دانسته و به تفاوت‌های تژادی آنها اشاره کرده‌اند؛ برای نمونه، ارسطو می‌گوید: روشن است

○ در روزگار آشفته و پریشان امروز، معضلات و مشکلات بسیار چون بیعدالتی، وابستگی، بیکاری، کمبود درآمد، بیماری، حاشیه‌نشینی و... سخت در سیمای جامعه شهری بسیاری از کشورها نمایان است. ساختار اجتماعی-کالبدی شهرها همواره ناشی از نظریه‌های گوناگونی است که از اندیشه حاکم بر آنها سرچشمه می‌گیرد. از این رو، در تحلیل و طرح برنامه‌های مناسب، مفاهیم کلیدی مانند ایدئولوژی حاکم، نوع قدرت، تصمیم‌گیری‌های سیاسی و ساختار جامعه تأثیر بسزا دارد.

## ۳-۳- تقسیمات اجتماعی

مار کسبیسیم، مالکیت خصوصی و تقسیم کار را دو عامل اصلی قشر بندی و نابرابری اجتماعی می داند.

از دید مار کس، طبقه بندی به مقدار درآمد، ثروت، شغل، شیوه زندگی، زمینه خانوادگی و... بر نمی گردد، زیرا، طبقه در اصل به رابطه با ابزار تولید و جایگاه فرد در سازمان اجتماعی مربوط می شود. بنابراین، ممکن است درآمد یک نفر به اندازه درآمد دیگری باشد، اما به طبقه دیگری وابسته باشد. مار کس به سبب اهمیتی که برای ساختار اقتصادی و تولیدی قائل است، نهادهای اجتماعی- فرهنگی را روبرویی شمرده و بر آن است که شیوه تولید و شرایط زندگی مادی، جریان کل زندگی اجتماعی، سیاسی و فکری را متأثر و مشروط می سازد. بنابراین، در ارتباط با سه مقوله مورد بحث نابرابری های اجتماعی، یعنی طبقه، گروه های قدرت و گروه های منزلت، وزن اصلی را به طبقه داده و دیگر گروه بندیها را نسبت به آن فرعی و تبعی می داند. (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۱۸۶)

در جامعه مار کسبیسیتی کاربرد برنامریزی در مورد سرمایه های مشترک با شدت بیشتری مطرح است و این سرمایه ها در جامعه، به شکل شرکت های گوناگون به کار می افتند و نقش مهمی در بازار دارد. نکته دیگر این است که در همه شرکت ها و سازمانهای تجاری، حتی صاحبان سهام به نسبت کلان، نقش تعیین کننده ندارند و ناگزیر از پیروی از مدیران دولتی و قوانین حاکم بر جامعه هستند. (شاف، ۱۳۷۶، ص ۲۰۹)

## ۴- تأثیر مار کسبیسیم بر شهر

۴-۱- جایگاه شهر و دولت از دیدگاه مار کسبیسیم  
توجه مار کس به شهر، کلی است و به فرایندهای درون آن بیشتر در رابطه با فرایند رویارویی دو طبقه قطبی شده سرمایه دار و کارگر پرداخته شده است. (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۲۰۵)  
مار کس و انگلس فضای شهری را حوزه ای می دیدند که فرایند در هم تنیده انباشت سرمایه و ستیز طبقاتی در آن تمرکز می یابد و سبب می شود

زیربنایی تر از سیاست است؛ بنابراین، زمانی که در تبدلات و معادلات اقتصادی دگرگونی رخ می دهد، سیاست نیز متحول می شود و در همراهی با اقتصاد جدید جهت گیری می کند. (Hou, 2002, p.370)  
مار کس برای شیوه تولید و شرایط زندگی انسانها در جریان تحولات تاریخی- اجتماعی، نقش بنیادین و زیربنایی قائل است. به تعبیر وی، آنچه انسانها را از دیگر جانوران جدا می سازد، این است که انسانها با کار جمعی و همکاری با دیگران، ابزارهای مورد نیاز زندگی شان را می سازند و نیازهای خود را بر طرف می کنند. بنابراین، تولید یک فزاینده جمعی است. (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۱۸۰)  
هر شیوه تولید مجموعه ای از نیروها و روابط تولیدی است که در آن روابط تولیدی و شیوه توزیع محصولات، اجتماعی است و در نتیجه سازوکارهای نابرابری و استثمار را تعیین می کند. بخشی از اعتراض مار کس به شیوه تولید سرمایه داری این است که گرایش به هر چه بیشتر کردن ارزش و سود اضافی، به گونه گریز ناپذیر، سرمایه داران را بعنوان یک طبقه، به پایین بردن سطح زندگی نیروی کار و نزدیک کردن هر چه بیشتر آن به سطح نیازهای بخور و نمیر رهنمون می شود. در این روند، نیروی کار ویژگی انسانی اش را از دست می دهد و تا اندازه یک حیوان پایین می آید. (هاروی، ۱۳۷۶، ص ۲۴۰)

به گفته مار کس، منطبق سرمایه داری ایجاب می کند که سرمایه داران و کارفرمایان، هر چند می دانند بهره گیری هر چه بیشتر از نیروی انسانی برای آنها مایه سود بیشتر است، به حجم سرمایه ثابت (ماشین آلات) بیفزایند و از مقدار سرمایه متغیر، یعنی شمار کارگران، بکاهند؛ به سخن دیگر، ماشین را جایگزین نیروی کار کنند و در این مبارزه، شکست انسان از پیش آشکار است. بر اثر این جریان، بخش چشمگیری از طبقه کارگر امکان اشتغال را از دست می دهد و بیش از نیاز سازمان شدن معرفی می شود. بدین سان، در نظام سرمایه داری، یک جمعیت افزودگی نسبی، یک بیکاری دائم، گاه پنهان و گاه راكد، پدید می آید که فشاری همیشگی بر طبقاتی از جامعه وارد می آورد. (کتابی، ۱۳۷۷، ص ۲۹)

○ در اتحاد جماهیر شوروی سابق، توسعه صنعتی و شهرنشینی فشارهای بسیار به روستاها وارد آورده و هزینه های مالی این کار با برداشت های کلان از بخش کشاورزی به دست آمده است.

که تضاد رو به رشد کارگر و سرمایه‌دار به گونه روزافزون نمایان گردد. در شهرهای بزرگ، بازرگانی، تولید کارخانه‌ای، تمرکز مالکیت و جمعیت به بالاترین حد خود می‌رسد و یک طبقه دارا و یک طبقه تهیدست پدید می‌آید. در شهرها همچنین گرایش سرمایه به تمرکز است و گرایش طبقات اجتماعی به قطبی شدن. (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۲۰۴)

بر پایه نظریه‌های مارکسیستی، دولت قدرت مطلق حاکم بر شهر است. مارکسیسم علت حضور دایم و بی‌مانع دولت حاکم در همه امور شهر (و البته جامعه) را این گونه مطرح می‌سازد که چون نظام شهری، جزئی از نظام کلی است، از این رو، تضادها میان سطوح این نظام در شهر نیز بازتاب می‌یابد و به گونه مشکلات شهری مانند تفاوت میان عرضه و تقاضا، شکست برنامه‌ریزی‌ها، معضلات رفت و آمدهای شهری، کمبود زمین برای مسکن و... نمایان می‌شود. افزون بر این تضادها، چون شهرها به گونه معمول از خود کارکرده ویژه دارند، تضادهای دیگری هم بروز خواهد کرد مانند تضاد میان تولید و مصرف. اگر این تضادهای رو به رشد مهار نشود، به تنش می‌انجامد. بنابراین دولت بعنوان مرکز انسجام اجتماعی و تنظیم کننده کل نظام، برای کاهش دادن شکاف موجود در فرایند بازتولید نیروی کار دخالت می‌کند. بدین سان مصرف روز به روز جمعی‌تر می‌شود و نظام شهری به گونه روزافزون شاهد دخالت‌های دولت خواهد بود. (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۲۱۰) از دیدگاه مارکس، مدیران شهری تنها عامل حفظ سرمایه‌های جامعه هستند و می‌توانند دستمزد کارگران را به سود مصالح اجتماع، کم یا زیاد کنند. (Bryer, 1999, p.685)

#### ۲-۴- شهر و روستا از دیدگاه مارکسیسم

از دیگر مسائلی که مارکسیسم به آن توجه دارد، تفاوت میان شهر و روستا و شیوه از میان بردن آن است. به تعبیر مارکس، گسترش شیوه تولید سرمایه‌داری به سوی جدا کردن هر چه بیشتر ابزار تولید از کار و نیز تمرکز ابزارهای پراکنده تولید پیش می‌رود و به این ترتیب، با تبدیل کار به کار

دستمزدی و تبدیل ابزار به سرمایه، روستا تابع شهر می‌شود، جمعیت شهرها فزونی می‌گیرد و شهرهای بیشتری پدید می‌آید. وجود شهر خود نشانه بارز تمرکز جمعیت، ابزارهای تولید و سرمایه و نیز انباشت نعمت‌ها و نیازهاست، در حالی که روستا درست در نقطه مقابل آن است. تضاد میان شهر و روستا تنها در چارچوب مالکیت خصوصی پدید می‌آید و جدایی شهر از روستا را می‌توان جدایی سرمایه از مالکیت ارضی دانست. در واقع، به نظر مارکس، جدایی شهر از روستا را می‌توان مانند توسعه سرمایه یعنی توسعه مالکیتی که بنیان آن تنها بر مبادله و سرمایه است، دانست. بنابراین، از میان رفتن این تضاد از نخستین شرایط پیدایش و استقرار حکومت مارکسیستی است. (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۱۸۵)

این مسئله در کشورهایی که زیر تأثیر اندیشه‌های مارکسیستی بوده‌اند پیامدهای متفاوت داشته است. برای نمونه، عملکرد کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق در این زمینه چندان رضایت‌بخش نبوده و سلطه مراکز شهری بر روستاها همچنان پابرجاست. همچنین در اتحاد جماهیر شوروی سابق، توسعه صنعتی و شهرنشینی فشارهای بسیار به روستاها وارد آورده و هزینه‌های مالی این کار با برداشت‌های کلان از بخش کشاورزی به دست آمده است. (شاریه، ۱۳۷۳، ص ۷۹) در واقع، اشتراکی کردن کار دهقانان در زمان استالین، به گونه مؤثر مسئله را به سود توسعه صنعتی شهر تغییر داده است. (گیلبرت، ۱۳۷۵، ص ۳۶۷) اما مسئله در چین تا اندازه‌ای متفاوت است. از دید ماو، تنش میان شهر و روستا بعنوان تضادی درجه اول در سازماندهی اجتماعی خلق به‌شمار می‌آید. به این سبب، او همواره به مسایل ناشی از نابرابری‌های شهری - روستایی و صنعتی - کشاورزی توجه داشت و برنامه‌های دولتی فراگیری ارایه کرد. (گیلبرت، ۱۳۷۵، ص ۱۰۵) از این رو، حکومت چین بر سه موضوع تأکید بسیار دارد:

- ۱- از میان بردن نابرابری میان مناطق شهری و روستایی؛
- ۲- از میان بردن نابرابری میان صنعت و

○ حکومت چین بر سه موضوع تأکید بسیار دارد:

- ۱- از میان بردن نابرابری مناطق شهری و روستایی؛
- ۲- از میان بردن نابرابری صنعت و کشاورزی؛
- ۳- از میان بردن نابرابری کار فکری و کار دستی.

کشاورزی؛

حمل و نقل، مسکن و... نهفته است. به تعبیر آنان، نظام شهری در واقع تبلور نظام اجتماعی تام درون يك واحد فضایی انبوه است.

مانوئل کاستل بر این باور است که کارکرد نظام شهری بیشتر اقتصادی و نیز متکی به مصرف است. به گفته او، کارکرد ویژه نظام شهری در بازتولید نیروی کار، یعنی گسترش بهره‌وری نیروی کار است و ابزارهای بازتولید نیروی کار نیز همانا ابزارهای مصرف است؛ ابزارهایی چون مسکن، خدمات اجتماعی، آموزشی و بهداشتی، تسهیلات لازم برای اوقات فراغت و... این ابزارها، در نظام سرمایه‌داری این دوران بیشتر به واحدهای فضای شهری اختصاص دارد، اما در کشورهای سوسیالیستی همه جامعه را در بر می‌گیرد. (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۲۰۹)

مارکسیست‌ها می‌گویند مالکیت خانه در محیط‌های شهری، به دارایی خصوصی مشروعیت می‌دهد و سبب افزایش فردگرایی می‌شود. همچنین به نظر گروهی از آنان، جدا کردن خانه از محل کار، فرهنگ طبقه کارگر را تغییر می‌دهد و مانعی در راه سازماندهی سیاسی آنهاست. در واقع، جدایی‌گزینی مسکونی به انزوای طبقات و پدید آمدن شاخه‌های گوناگون آنها می‌انجامد و محیطی پدید می‌آورد که به خرد فرهنگ کارگر دامن می‌زند و کارگران را به سوی مرزبندی قومیت و سطح مهارت پیش می‌برد.

#### ۴-۴- سیمای کلی شهرهای سوسیالیستی

در تبیین ویژگی‌ها و سیمای کلی شهرها در کشورهای سوسیالیستی به این نکته‌ها می‌توان اشاره کرد:

۱- محله‌های قدیمی که ساختمانهای باستانی، بویژه هنری دارند، محله‌های حفاظت شده هستند. محله‌های قدیمی ویران شده در جنگ جهانی دوم نیز با همان طرحهای قدیمی بازسازی شده است.

۲- بخش‌های اداری و فرهنگی شهرها بسیار گسترش یافته است، اما بخش تجاری و بازرگانی چون بازرگانی آزاد نیست، بسیار کوچک نگهداشته شده است. در محله‌های مسکونی نیز شمار

۳- از میان بردن نابرابری میان کارفکری و کار دستی. (شکویی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۰)

این تضادها در نظریه انقلاب چین مطرح شده و کوشش‌هایی برای حل آنها صورت گرفته است که از جمله می‌توان به تغییر ماهیت بوروکراتیک مراکز صنعتی و نیز یگانگی کردن شهر و روستا اشاره کرد. (هاروی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۴) در واقع، هدف رهبران چین این بوده است که هم شهرهای فئودالی و هم شهرهای استعمارزاده چینی را به شهرهای تولیدی تبدیل کنند. (شکویی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۰) البته، تمرکز انسان‌ها در مکانی معین برای کارهای غیرکشاورزی، معمولاً تداعی کننده سیمای جغرافیایی شهر است، اما در جوامع مارکسیستی، تمرکز انسان‌ها در بهینه مناطق روستایی، برای کارهای کشاورزی هم می‌تواند از موارد خاص شکل‌یابی شهرهای زراعی باشد. (فرید، ۱۳۶۸، ص ۵۴۴)

۳-۴- اصول کلی شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری از دیدگاه مارکسیسم

یکی از نکات اساسی که در کشورهای مارکسیستی به هنگام برنامه‌ریزی دیده می‌شود، پیوستگی و ارتباط نزدیک میان برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و شهری است و اقتصاد برنامه‌ریزی شده شهری، شهر را نه به صورت جدا و جزیره‌ای، بلکه با واحد ناحیه و در سطح ناحیه می‌نگرد. بنابراین، همه مسایل و معضلات ناحیه و شهر را در یک کلیت می‌پذیرد. (شکویی، ۱۳۶۹، ص ۱۷۱) در مورد چگونگی شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری هم میان پیروان مارکسیسم اختلاف عقیده وجود دارد؛ برای نمونه، برخی از اندیشمندان مارکسیست پیدایش اتحادیه‌های کاری و احزاب سیاسی طبقاتی را بیشتر معطوف به پیوند محله‌ای و همسایگی می‌دانند، اما برخی دیگر سازمانهای محله‌ای را بالقوه مزاحم مبارزه طبقاتی گسترده می‌پندارند. (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۲۰۸) گروهی از نظریه‌پردازان مارکسیست بر این باورند که راز کاهش مسایل و مشکلات شهری در ستیزهای محلی، حول محور مدیریت عمومی مصرف،

○ تمرکز انسان‌ها در مکانی معین برای کارهای غیرکشاورزی، معمولاً تداعی کننده سیمای جغرافیایی شهر است، اما در جوامع مارکسیستی، تمرکز انسان‌ها در بهینه مناطق روستایی، برای کارهای کشاورزی هم می‌تواند از موارد خاص شکل‌یابی شهرهای زراعی باشد.

فروشگاههای لباس اندک است.

۳- در محله‌های مسکونی تباین اجتماعی به چشم نمی‌خورد، اما آپارتمانها بر حسب تقدّم و با در نظر گرفتن شغل افراد، به آنان داده شده است.

۴- کوچه‌های نوساز را با فضای سبز و با آینده‌نگری خاص ساخته‌اند و بدین‌سان از تراکم خوابگاهی این محلات کاسته شده است.

۵- شبکه‌های شهری متناسب با فعالیت و تخصّص شهرها که اصولاً سنتی هستند، شکل یافته و سعی شده است که شهرها به صورت باز ساخته شوند و بخش صنعتی شهر، با فضاهای خالی که بیشتر برای توسعه فضای سبز به کار می‌آید، یکسره از بخش مسکونی آن جدا باشد.

۶- برنامه‌ریزی شهرها به گونه‌ای است که می‌توان شهرهای صنعتی را گسترش داد؛ بویژه هنگامی که مجتمع صنعتی بزرگی در شهر ساخته شود. (فرید، ۱۳۶۸، ص ۵۴۳)

۷- شهرهای قابل توسعه در کشورهای سوسیالیستی، بیشتر شهرهای زراعی است که برای سکونت کشاورزان و عرضه خدمات به آنها ساخته شده است. در این شهرها، ساختمانهای اداری از دیگر ساختمانها جداست و به همان اندازه که کامیونها برای جابه‌جایی کشاورزان از محل سکونت به کشتزارهای دور دست به کار گرفته می‌شود، جمعیت می‌تواند به گونه‌ای متمرکز در این شهرها زندگی کند. (فرید، ۱۳۶۸، ص ۵۴۴)

بر سرهم می‌توان گفت که در جامعه مارکسیستی، شهرها از دو بخش قدیمی و نوساز تشکیل شده و بازرگانی، بویژه بازرگانی خصوصی رونق چندانی ندارد. محله‌های شهری تفاوت چندانی با هم ندارند و یکنواختی خاصی در آنها به چشم می‌خورد که به مقتضای نقش شهر برنامه‌ریزی شده است. گرچه در برخی از این شهرها رشد مسکن هماهنگ با رشد جمعیت نیست، اما رقابت در زمینه بازرگانی و تبلیغات کاهش یافته و بر تجهیزات عمومی و منابع مصرفی جمعیت شهری افزوده شده است. در این بخش به بررسی کوتاه وضع شهرها در کشورهای کمونیستی و سوسیالیستی می‌پردازیم:

#### ۱-۴-۴- اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی

بطور کلی می‌توان گفت که شهرهای این گونه کشورها بر سازمان تولید، توزیع و تجهیزات اجتماعی استوار است. منطقه‌بندی شهرها اصولی است و هر شهر را می‌توان یک ارگانیکسم چند هسته‌ای مبتنی بر سلسله مراتب دانست. شهرهای این کشورها دو گونه‌اند، برخی از مراکز قدیمی صنایع و بازرگانی هستند یا نقش‌های گوناگون دارند که بر اثر رشد سریع صنایع مبتنی بر اقتصاد سوسیالیستی، دگرگونی‌های ژرف یافته‌اند؛ شماری دیگر، شهرهای نوسازی هستند که در نواحی روستایی بر جمعیت برای تولیدات صنعتی ساخته شده‌اند (فرید، ۱۳۶۸، ص ۵۴۱) و مرکز آنها بیشتر دربرگیرنده سازمان‌های اداری، آموزشی، اجتماعی و فرهنگی بزرگ است. در بخش مرکزی بیشتر شهرهای شوروی و اروپای شرقی یک میدان عمومی یا یک کاخ فرهنگی که یادگار تاریخ گذشته است، وجود دارد؛ مانند میدان سرخ مسکو یا کاخ فرهنگی ورشو. ساختمانهای حزبی و دولتی نیز در بخش مرکزی شهر قرار دارد. همچنین برخی انجمن‌ها، مانند انجمن جغرافیایی، دوستداران طبیعت، هنرمندان در این بخش است. (شکویی، ۱۳۶۹، ص ۱۶۸)

دورتر از مرکز، مناطق صنعتی سازمان یافته است که در کنار ساختمانهای مسکونی طبقه فعال قرار دارد که با محورهای ارتباطی به منطقه صنعتی پیوسته و در عین حال با نواری سبز از آن منطقه جدا شده است. (فرید، ۱۳۶۸، ص ۵۴۱) در واقع، واحدهای مسکونی گوناگون را چنان طراحی کرده‌اند که از خدمات اشتراکی لازم بهره‌مند باشند. ساختمانها آفتابگیرند و موقعیت آنها به گونه‌ای است که از بادهای مزاحم در امان باشند. شبکه خیابانها در محله‌ها از جهت خیابان‌های اصلی پیروی نمی‌کند و به گونه مستقل طراحی شده است. بیشتر ساختمانها را نیز در ردیف‌های موازی ساخته‌اند. (اوستروفسکی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۹) بیشتر بلوک‌های آپارتمانی ۱۲ طبقه تا ۱۶ طبقه و بیشتر آپارتمانها ۲ خوابه است و در هر یک از اتاق‌ها به گونه میانگین ۱/۶ نفر زندگی

○ در برنامه‌ریزی شهری در کشورهای اروپای شرقی و شوروی همواره پاره‌ای معیارها مورد نظر بوده است و استانداردها در واحدهای مسکونی، فضای سرانه و محلات شهری، سبب یکسانی و یکنواختی محله‌های شهری شده است. واحدهای مسکونی در شهرهای برنامه‌ریزی واحدهای مسکونی در شهرهای شوروی میکرورایون است که تا اندازه‌ای با واحد خودیاری محله در شهرهای جدید انگلستان برابری می‌کند.

می کنند. (شکویی، ۱۳۶۹، ص ۱۷۱) در شوروی سابق هدفهای اسکان در سطح ملی بر سیستم یکپارچه و متمرکز، با برنامه ریزی بلندمدت و جامع اقتصادی، اجتماعی و کالبدی استوار است. نهادهای دولتی کارخانه سازی را انجام می دهند و جمعیت را با صدور مجوز پروویسکا کنترل می کنند. (زیری، ۱۳۸۲، ص ۵۹)

در برنامه ریزی شهری در کشورهای اروپای شرقی و شوروی همواره پاره ای معیارها مورد نظر بوده است و استاندارد شدن همه واحدهای مسکونی، فضای سرانه و محلات شهری، سبب یکسانی و یکنواختی محله های شهری شده است. واحد انتخابی در برنامه ریزی واحدهای مسکونی در شهرهای شوروی میکرو رایون است که تا اندازه ای با واحد خودیابار محله در شهرک های جدید انگلستان برابری می کند. فکر ایجاد این بخش ها در دهه ۱۹۳۰ پدید آمد و از سال ۱۹۵۸ به بعد در دست اجرا قرار گرفت. (شکویی، ۱۳۶۹، ص ۱۷۰) برخی از ویژگیهای این بخش ها به این شرح است:

۱- در زمینی به وسعت ۳۰ تا ۵۰ هکتار ساخته می شود. (شکویی، ۱۳۶۹، ص ۱۷۱)

۲- بلوک های آپارتمانی را که از نظر ارتفاع یکسان نیستند، در پیرامون یک مرکز کوچک می سازند. این مرکز دربرگیرنده مدارس، درمانگاه، مغازه ها، فضای باز و مراکز خدمات برای پاسخگویی به نیازهای روزانه ساکنان است و میانگین فاصله این تأسیسات خدماتی از آپارتمان ها ۱۵۰-۲۰۰ متر است. (شکویی، ۱۳۶۹، ص ۱۷۱)

۳- هر میکرو رایون از شبکه اصلی ترافیک جدا شده و پیرامون بیشتر آنها فضای سبز گرفته است. البته میکرو رایون ها با چند وسیله حمل و نقل عمومی به هم مربوط می شوند. (شکویی، ۱۳۶۹، ص ۱۷۱)

۴- جمعیت میکرو رایون ها به ۱۲ هزار نفر و گاهی به ۲۰ هزار نفر می رسد. در صورت وسعت برنامه ریزی، خدمات در ۵۰۰ متری آپارتمان های مسکونی قرار می گیرد و همه خریدهای روزانه در محدوده میکرو رایون ها با پیاده روی انجام می شود.

(شکویی، ۱۳۶۹، ص ۱۷۱)

از نارساییهای این گونه تقسیم بندی، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- ساخت جمعیتی و اجتماعی آنها را، تنها نزدیکی به محل کار تعیین می کند؛
- ۲- امکان برقراری روابط صمیمانه میان همسایه ها وجود ندارد؛
- ۳- در طراحی آنها برای خانواده های دارنده اتومبیل چندان فکری نشده است؛
- ۴- تراکم جمعیت در ساختمان های بلندمرتبه زیاد است؛
- ۵- فضای سرانه در آپارتمان ها محدود است.

(شکویی، ۱۳۶۹، ص ۱۷۱)

سرانجام می توان گفت که اصل نزدیکی مناطق مسکونی به بخش صنعت برای بهره برداری کامل از این بخش، در ساخت و مکان یابی واحدهای مسکونی، در شوروی سابق و اروپای شرقی، اصلی غالب و کارکردی بوده است. هر چند ایده های مارکسیستی دوره درخشانی در برنامه ریزی شهری و ایجاد شهرهای کاربردی در این کشورها پدید آورد، اما سادگی، تکرار و یکنواختی ساختمانها و توجه اندک به زیباسازی آنها، چهره بیشتر این شهرها را کسل کننده کرده است.

## ۲-۴-۴- چین

### ۱-۲-۴- سیاست های کلی در چین

تقسیمات داخلی کشور چین بر پایه نکات زیر استوار است:

- ۱- تعیین خط مشی اصلی و سیاست عمومی بر عهده دولت مرکزی است؛
- ۲- میان ایالت، شهر و محله ارتباط داخلی و منطقی برقرار است؛
- ۳- مشورت و تماس از سطوح پایین به بالا و از بالا به پایین، همواره پابرجاست.

هر چند در چین مانند بیشتر کشورهای سوسیالیستی، تصمیمات به صورت دستوری است، اما مشارکت سطوح گوناگون اداری در کار برنامه ریزی، خودگردانی و ابتکارهای محلی پیوسته رو به گسترش است و بحث و گفتگو میان سطوح پایین و بالای دولتی همواره جریان دارد.

## ○ اصل نزدیکی مناطق

مسکونی به بخش صنعت برای بهره برداری کامل از این بخش، در ساخت و مکان یابی واحدهای مسکونی، در شوروی سابق و اروپای شرقی، اصلی غالب و کارکردی بوده است. هر چند ایده های مارکسیستی دوره درخشانی در برنامه ریزی شهری و ایجاد شهرهای کاربردی در این کشورها پدید آورد، اما سادگی، تکرار و یکنواختی ساختمانها و توجه اندک به زیباسازی آنها، چهره بیشتر این شهرها را کسل کننده کرده است.

(شکویی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۶) سیاست چین بر این است که هر چند توسعه اقتصادی برای تأمین رفاه اجتماعی شهروندان لازم است، اما توسعه نباید تنها ثروت را افزایش دهد، بلکه باید توسعه فرهنگی و اجتماعی را نیز در برداشته باشد. (شکویی، ۱۳۶۴، ص ۱۵۵) نتیجه این سیاست در چند زمینه اهمیت داشته است. شاید مهمترین دستاورد این بوده است که همه شهروندان چینی از حداقل درآمد برای پیشگیری از سوء تغذیه و دسترسی به کالاهای اساسی برخوردار شده‌اند. (گیلبرت، ۱۳۷۵، ص ۴۱۰)

امروزه چین برای پیشرفت اقتصادی، به سیاست درهای باز رو آورده است؛ در این راستا استراتژی سیاست خارجی چین گرایش یکسویه به کشورهای کمونیستی را وانهاده و به حرکت کند و آهسته به سوی غرب گرایش یافته است. تغییر سیاست خارجی چین تابعی از ضرورت‌های اقتصادی داخل، نیاز به سرمایه و تکنولوژی غرب برای اکتشاف و توسعه منابع معدنی و نوسازی کارخانه‌ها بوده است و این ضرورت‌ها رفته رفته چین را واداشته است که خط‌مشی برون‌گرتری در پیش گیرد. (مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی تهران، ۱۳۸۰، ص ۳۲) در سال‌های اخیر اصلاحات در بازار کار، بازار مالی و بازار زمین به نوبه خود سبب تغییراتی در مناطق شهری و روستایی شده است. چین برای اصلاح بازار زمین و مستغلات مناطق شهری، ثبت حقوق زمین و ساختمان، اجاره زمین و ایجاد شرکت‌های انتفاعی را معمول کرد، به گونه‌ای که اکنون بازار مستغلات و زمین در مناطق شهری چین بسیار پر رونق است. (مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۴) در شهرهای چین، پشتیبانی از توسعه صنایع جدید با نگهداری تکنولوژی سنتی که با سادگی و بیشترین بهره‌گیری از کارگر همراه است، صورت می‌گیرد و به جای تراکم و تمرکز صنعت در شهرها، سعی شده است صنایع در سراسر کشور توسعه یابد. از این رو، شهرهای کوچک و متوسط چین همراه با حوزه‌های روستایی پیرامونشان توسعه یافته‌اند. (شکویی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۴)

در شهرهای متوسط چین معمولاً يك خیابان یا بزرگراه اصلی وجود دارد که بیشتر تجاری است و ترافیک در آن سنگین است. (لانگورث، ۱۳۷۹، ص ۲۴۴) در بیشتر شهرها نیز بسیاری از بخش‌های همجوار به نواحی اداری شهر پیوسته‌اند تا امکان ذخیره‌سازی و کنترل نیازهای حیاتی، مانند مخازن آب و کارخانه‌های تولید برق پدید آید. از این رو، بسیاری از شهرهای چین نواحی گسترده روستایی را دربر گرفته‌اند که مردمان آنها چندین مایل دورتر از شهر زندگی می‌کنند، هرچند رقم رسمی جمعیت شهر را افزایش می‌دهند. (دراکالیس، ۱۳۷۷، ص ۸)

در شهرهای چین بیشتر واحدهای مسکونی به صورت بلوک‌های آپارتمانی ساخته شده است. منطقه واحدهای مسکونی بیشتر سنگفرش یا آسفالت‌ه است؛ با خیابان‌های درختکاری شده و پارک محله. ساختمانها نیز ۲ طبقه تا ۵ طبقه است و با وجود محدودیت فضا، خانواده‌ها از وضع خود رضایت دارند. در دهه ۱۹۷۰ استانداردهای مربوط به فضای واحدهای مسکونی (به گونه سرانه) به بیش از ۶ متر مربع افزایش یافت. در آپارتمان‌ها جایی که گرما مورد نیاز باشد، دستگاه حرارت مرکزی تعبیه شده است. وسایل خوراکی‌پزی، لوازم خانه، لباس و دیگر وسایل شخصی بسیار ساده است. اجاره خانه معمولاً میان ۶ تا ۱۰ درصد درآمد تعیین شده است و در روستاها بیشتر خانواده‌ها مالک خانه خود هستند؛ اما در شهرها از هر ۵ تا ۱۰ خانوار فقط یکی مالک خانه است. در شهرهای چین، هر بلوک آپارتمانی، دارای فضای بازی کودکان با میزهای پینگ‌پنگ و دیگر وسایل تفریحی و ورزشی است و در هر بخش از منطقه واحدهای مسکونی، یک مرکز ورزشی، کودکانستان، مدرسه ابتدایی، سالن غذاخوری و مغازه‌های فروش مواد خوراکی وجود دارد. هر کس، زن یا مرد، که جویای کار باشد می‌تواند در همان محله مسکونی خود شغلی به دست آورد. در فروشگاه‌های مناطق مسکونی کالاهای اندکی برای فروش عرضه می‌شود، اما در

### ○ تقسیمات داخلی کشور

چین بر پایه نکات زیر استوار است:

۱- تعیین خط‌مشی اصلی و سیاست عمومی بر عهده دولت مرکزی است؛

۲- میان ایالت، شهر و محله ارتباط داخلی و منطقی برقرار است؛

۳- مشورت و تماس از سطوح پایین به بالا و از بالا به پایین، همواره پابرجاست.



الکتریکی و ماشین‌های کشاورزی تولید می‌شود. (شکویی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۸)

برنامه‌ریزی شهری در چین بیشتر بر مهندسی فنی و معماری استوار است و سیاست توسعه شهری بر پایه سرمایه‌گذاری‌های تولیدی تنظیم می‌شود. از این رو، کار اقتصاددانان اعتبار بسیار دارد. برای نمونه، هنگامی که برنامه‌ریزان اقتصادی تصمیم به ایجاد کارخانه‌ای می‌گیرند، سرمایه‌گذاری‌ها تنها ساختمان کارخانه را دربر نمی‌گیرند، بلکه بخشی از آن به ساختن واحدهای مسکونی، ایجاد محله‌های جدید برای خانواده‌های کارگری و کارکنان کارخانه‌ها اختصاص می‌یابد و از نظر محلی، برنامه‌ریزی اقتصادی شکل توسعه شهری را تعیین می‌کند. (شکویی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۶) اصول حاکم بر شهرهای چین ده مورد اساسی را دربر می‌گیرد:

- ۱- توسعه صنایع شهری هماهنگ با توسعه روستایی؛
  - ۲- به‌کارگیری نیروی انسانی فراوان؛
  - ۳- برپایی شرکت‌های تعاونی در شهر و روستا؛
  - ۴- انتقال نیروی مازاد کشاورزی به دیگر بخش‌ها؛
  - ۵- ایجاد اشتغال برای کارگران مازاد شهری؛
  - ۶- جلوگیری از تبدیل شدن شهرهای بزرگ به مراکز عمده اشتغال نیروی انسانی؛
  - ۷- تعدیل دوباره نظام زمینداری؛
  - ۸- گسترش موسسه‌های اقتصادی در شهرک‌ها و ایجاد شهرهای کوچک؛
  - ۹- گسترش شرکت‌های سهامی با مشارکت خانوارها، بویژه در زمینه ارتباطات و حمل و نقل؛ (لانگورث، ۱۳۷۹، ص ۲۸۹)
  - ۱۰- بهبود کارآیی شبکه‌های حمل و نقل و گسترش شبکه بزرگراه‌های اصلی میان شهرها و ساخت پل‌ها (به سبب پایین بودن تراکم راه در چین در مقایسه با دیگر کشورها). (لانگورث، ۱۳۷۹، ص ۳۰۳)
- ۳-۴-۴- کوپا
- ۱-۴-۴- تقسیمات شهری در کوپا
- ۵۷ درصد جمعیت کوپا در شهرها سکونت

بخش‌های مرکزی شهرها، کالاهای گوناگون به فروش می‌رسد. (شکویی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۳)

شهرهای کوچک که نقش مهمی در برنامه‌ریزی شهری چین دارند، به‌طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- شهرهای مرکز بخش؛
  - ۲- شهرهای دارای نظام سازمانی؛
  - ۳- شهرهای بدون نظام سازمانی.
- بیشتر شهرهای مرکز بخش و شهرهایی که نظام سازمانی دارند، در واقع مرکز صنایع دستی هستند و کارگردآوری و توزیع مواد در آنها صورت می‌گیرد. مردمان این شهرها نیز غیر روستایی هستند و ویژگی‌های مردمان شهری را دارند. (لانگورث، ۱۳۷۹، ص ۲۴۴) شهرهای کوچک بدون نظام سازمانی که شمارشان بسیار بیشتر است، معمولاً مرکز سازمان‌های حکومتی هستند. (لانگورث، ۱۳۷۹، ص ۲۴۵) وظایف اصلی شهرهای کوچک را چنین می‌توان برشمرد:
- ۱- نقش توزیع کننده محصولات کشاورزی و جانبی روستاها به شهر و فروش محصولات صنعتی شهر به روستاها را به عهده دارند و در واقع گردش کالاها با آنهاست؛
  - ۲- پایه صنایع محلی هستند و در واقع تولیدات صنعتی در شهرهای کوچک پایه اصلی اقتصاد روستایی است؛
  - ۳- مکانی برای توسعه علم، تکنولوژی، آموزش، فرهنگ و تفریح در نواحی روستایی است؛
  - ۴- وظیفه گسترش فرایند پیشرفت و شهرنشینی را در مناطق دور افتاده و عقب مانده به عهده دارند؛
  - ۵- ایجاد شهرهای کوچک یکی از راههای کارساز برای جذب نیروی انسانی مازاد است. بدین سان جذب نیروی انسانی مازاد به صورت محلی درمی‌آید.
- بنابراین، وجود حوزه‌های روستایی در قلمرو شهرها سبب رسیدن فرآورده‌های کشاورزی در زمان کوتاه به مراکز مصرف و پدید آمدن صنایع سبک و اساسی مورد نیاز در داخل حوزه شهرداری‌ها می‌شود. از این رو در بیشتر این شهرها، تراکتور، وسایل ماشینی ساده، موتورهای

○ در شهرهای چین، پشتیبانی از توسعه صنایع جدید با نگهداری تکنولوژی سنتی که باسادگی و بیشترین بهره‌گیری از کارگر همراه است، صورت می‌گیرد و به جای تراکم و تمرکز صنعت در شهرها، سعی شده است صنایع در سراسر کشور توسعه یابد. از این رو، شهرهای کوچک و متوسط چین همراه با حوزة‌های روستایی پیرامونشان توسعه یافته‌اند.

دارند و در اجتماعات بیش از ۲۰۰۰ نفر جای گرفته‌اند. بطور کلی، شهرهای کوبا به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند:

۱- شهرهای بندری؛

۲- شهرهای داخلی که در فضاهای زراعی توسعه یافته‌اند و ساختار کمابیش روستایی دارند، مانند کاماگونه (شهر نیشکر)؛

۳- شهر هاوانا مانند شهرهای دیگر کشورهای سوسیالیستی از دو بخش قدیم و جدید تشکیل شده است و با دیگر شهرهای کوبا تفاوت بسیار دارد.

در بخش جدید هاوانا بولوار بزرگی است که بین دریا و بناهای بسیار مدرن محله آمریکایی‌ها به گونه‌ای ماریج پیش رفته است. (لامور، ۱۳۶۹، ص ۲۶) در بخش قدیمی این شهر بیشتر خیابان‌ها باریک است و به کلیسای بزرگ که با سبک معماری یاروک ساخته شده است، می‌پیوندد. محله‌های شهر نیز چشم‌اندازهای متفاوت پدید آورده‌اند. خیابان‌های بزرگ که شمار آنها در بخش قدیمی بسیار اندک است، به سبک آمریکایی شماره گذاری شده و گیاهان گرمسیری به طول کیلومترها در شهر کاشته شده است. هاوانا بزرگترین شهر آموزشی کوبا است و سیمای متمایز آن در هیچ جای دیگر کوبا تکرار نشده است. در نزدیکی هاوانا یک شهر جدید ساخته شده است. این شهر را کارگران داوطلب که نقش مهمی در سازندگی کوبا دارند، ساخته‌اند. ساختمانهای شهر ۴ تا ۱۲ طبقه است و ۲۵ هزار نفر را در خود جای داده است. این شهر مجهز به هشت باغ کودک، شش مدرسه ابتدایی، یک دبیرستان و دیگر مراکز خدماتی است که همزمان با خانه‌ها ساخته شده است. (لامور، ۱۳۶۹، ص ۱۲۴)

۳-۴-۳-۲- شهرداری و برنامه‌ریزی شهری در کوبا

شهرداری‌ها در شهرهای کوبا دارای قدرت ویژه‌اند و نظارت چشمگیری بر خدمات عمومی دارند. شهرداری مؤسساتی مانند مدرسه‌ها، پلی کلینیک‌ها، مراکز تفریحی-ورزشی، رستوران‌ها، نانوایی‌ها، خدمات اتوبوس‌رانی و...

را اداره می‌کند و به توسعه واحدهای بزرگ تولیدی یا خدماتی که زیر نظر وزارتخانه‌ها اداره می‌شود، یاری می‌رساند. (لامور، ۱۳۶۹، ص ۸۸) در واقع می‌توان گفت که سرپرستی بخش اعظم فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی شهر بر عهده شهرداری‌هاست. پس از پیاده شدن ایده‌های مارکسیستی در کوبا قانون داشتن مستغلات در این کشور لغو شد و سپس برنامه‌ای برای دستیابی همگان به مسکن به اجرا درآمد. به این ترتیب، سقف پرداخت اجاره خانه به دولت ۱۰ درصد دستمزد تعیین شد. (لامور، ۱۳۶۹، ص ۱۲۳)

امروزه مجلس ملی کوبا ساختمان‌های مسکونی را بر اساس نیاز خانواده‌ها در اختیار آنها می‌گذارد. اجاره خانه در شهرها بسیار اندک است و بستگی به درآمد خانواده دارد. در بیشتر موارد خانواده‌ها درصد معینی از درآمد خود را به صورت قسطی می‌پردازند و پس از چند سال مالک خانه یا آپارتمان خود می‌شوند. (عظیم‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۲۳۲)

گفتنی است که در کوبا از هر سه خودرو که از خارج وارد می‌شود، دو دستگاه را با قیمت تمام شده به کارگرانی واگذار می‌کنند که مستقیماً با تولید و خدمات آن ارتباط دارند.

در برنامه‌ریزی شهری کوبا مسایل فرهنگی-هنری اهمیت ویژه دارد و برنامه‌ریزان معتقدند که فعالیت گروه‌های غیر حرفه‌ای عامل مهمی در ایجاد یگانگی اجتماعی است زیرا کسانی که حرفه‌ها و مشاغل گوناگون دارند، در یک زمینه مشترک هنری با هم تماس می‌یابند و کار می‌کنند. بنابراین، آموزش فرهنگی و هنری نه تنها در اختیار سازمان‌های دولتی و عمومی است، بلکه هزاران تن از شهروندان، کارگران، دانشجویان، زنان خانه‌دار و... با شرکت مؤثر در امور فرهنگی، در آنها دخالت مستقیم دارند. (مارتینز، ۱۳۶۴، ص ۲۶)

از دیگر کارهایی که در شهرهای کوبا برای تأمین رفاه شهروندان می‌شود می‌توان به دادن بورس به دانش‌آموزان و دانشجویان، پایین نگه داشتن هزینه‌های حمل و نقل و خدمات، تثبیت قیمت کالاهای ضروری، تضمین شغلی، برخورداری همگان از درمان رایگان، بیمه عمومی و تأمین شرایط زندگی به نسبت مناسب برای همه

○ برنامه‌ریزی شهری در چین بیشتر بر مهندسی فنی و معماری استوار است و سیاست توسعه شهری بر پایه سرمایه‌گذاری‌های تولیدی تنظیم می‌شود. از این رو، کار اقتصاددانان اعتبار بسیار دارد. برای نمونه، هنگامی که برنامه‌ریزان اقتصادی تصمیم به ایجاد کارخانه‌ای می‌گیرند، سرمایه‌گذاری‌ها تنها ساختمان کارخانه را در بر نمی‌گیرد، بلکه بخشی از آن به ساختن واحدهای مسکونی، ایجاد محله‌های جدید برای خانواده‌های کارگری و کارکنان کارخانه‌ها اختصاص می‌یابد و از نظر محلی، برنامه‌ریزی اقتصادی شکل توسعه شهری را تعیین می‌کند.

شهروندان اشاره کرد. (لامور، ۱۳۶۹، ص ۱۲۶)  
می توان گفت که سیاست کلی برنامه ریزی  
شهری در کوبا بر این پایه ها استوار است:

- ۱- گسترش شبکه توزیع کار عادلانه؛  
(عظیم زاده، ۱۳۷۹، ص ۹۹)
- ۲- دادن اعتبار و خدمات لازم به تعاونی ها؛
- ۳- تثبیت قیمت ها و اعتبارات بانکی در سطحی  
که سبب تشویق تولید شود؛
- ۴- پشتیبانی فزاینده از صنعت توریسم که  
بزرگترین صنعت این کشور به شمار می آید؛  
(عظیم زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۶۵)
- ۵- گسترش کشاورزی درون شهری و پیرامون  
شهری؛

۶- بسیج نیروی کار داوطلبانه و بهره گیری از  
آنها در بخش های گوناگون.

امروزه سیاست حاکمان کوبا این است که با  
حفظ اصول مارکسیسم، از مفاهیم سودمند  
سرمایه داری، مانند سرمایه گذاری مشترک با  
شرکت های کشورهای سرمایه داری نیز بهره  
بگیرند. البته می گویند: سود این گونه  
سرمایه گذاری ها به شهر و ندان خواهد رسید.

### ۵- جمع بندی و نتیجه گیری

بر پایه این بررسی کوتاه می توان گفت که  
کشورهای مارکسیستی از لحاظ اجتماعی،  
فرهنگی، اقتصادی و کالبدی، در قیاس با دوران  
پیش از استقرار مارکسیسم دستخوش دگرگونی  
فاحش شده اند و ساخت های ناهمگون داخلی در  
این کشورها برای افزایش رفاه عمومی متعادل شده  
است. سیمای امروز شهرهای این کشورها نشان  
می دهد که معضلاتی چون بیکاری، فقر، بیماری،  
ساختار طبقاتی (طبقه دار و ندار)، توزیع نامتعادل  
خدمات، تفاوت فاحش شهر و روستا و... که در  
بسیاری مناطق جهان از مشکلات حل نشده و رایج  
است، به گونه چشمگیر کنترل شده و کوششهای  
بسیار برای تدوین استراتژی های مناسب، به منظور  
ایجاد رفاه عمومی، توان بخشی به مراکز  
تصمیم گیری و برقراری ارتباط نزدیک با قشرهای  
جامعه که مهمترین عامل کلیدی در دستیابی به  
هدفهای مورد نظر است، صورت پذیرفته است.

○ در برنامه ریزی شهری  
کوبا مسایل فرهنگی-هنری  
اهمیت ویژه دارد و  
برنامه ریزان معتقدند که  
فعالیت گروه های غیر  
حرفه ای عامل مهمی در  
ایجاد یگانگی اجتماعی است  
زیرا کسانی که حرفه ها و  
مشاغل گوناگون دارند، در  
یک زمینه مشترک هنری باهم  
تماس می یابند و کار  
می کنند. بنابراین، آموزش  
فرهنگی و هنری نه تنها در  
اختیار سازمان های دولتی و  
عمومی است، بلکه هزاران  
تن از شهروندان، کارگران،  
دانشجویان، زنان خانه دار  
و... با شرکت مؤثر در امور  
فرهنگی، در آنها دخالت  
مستقیم دارند.

هر چند این نتایج در چارچوبهای قانونی خشک و  
انعطاف ناپذیر، با اعمال قدرت و چشم پوشی از  
بسیاری از خواستها و نیازهای انسانی به منظور  
دستیابی به «حد اقل ها برای کل جامعه به دست  
آمده است، اما به نظر می رسد که این اندیشه بهترین  
راه حل برای مشکلات کشورهایمانند چین و  
کوبا است که البته ممکن است در بسیاری موارد  
دیگر پاسخگو نباشد.

گفتنی است که امروزه پاره ای از قوانین  
مارکسیستی در مورد شهرها با نظریه های مثبت  
مکاتب دیگر تلفیق شده و برخی از آنها در  
کشورهای سرمایه داری نیز به اجرا در آمده است.

### منابع

#### منابع فارسی

۱. احمدی، بابک، ۱۳۷۹، مارکس و سیاست مدرن، نشر  
مرکز، چاپ سوم.
۲. افروغ، عماد، ۱۳۷۷، فضا و نابرابری های اجتماعی آن،  
انتشارات تربیت مدرس، چاپ اول.
۳. اوستروفسکی، واتسلاف، ۱۳۷۸، شهرسازی معاصر  
از نخستین سرچشمه ها تا منشور آن، مترجم لادن  
اعتضادی، مرکز نشر دانشگاهی تهران، چاپ اول.
۴. بتو، فری، ۱۳۶۸، فیدل کاسترو و مذهب، ترجمه  
سرویس خارجی روزنامه اطلاعات، نشر مؤسسه  
اطلاعات، چاپ اول.
۵. برتر، امیل، ۱۳۵۸، مارکسیسم چیست، انتشارات  
فروردین، چاپ اول.
۶. بشیری، حسین، ۱۳۸۰، اندیشه های مارکسیستی،  
نشر نی.
۷. دراکاليس، دیوید، ۱۳۷۷، شهر جهان سومی، ترجمه  
فیروز جمالی، نشر توسعه، چاپ اول.
۸. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۵۲، لغت نامه، حرف م، دانشگاه  
تهران.
۹. زیاری، کرامت الله، ۱۳۸۲، برنامه ریزی شهرهای  
جدید، انتشارات سمت، چاپ سوم.
۱۰. شایه، ژان برنارد، ۱۳۷۳، شهرها و روستاها،  
ترجمه سیروس سهامی، نشر نیکا، چاپ اول.
۱۱. شاف، آدام، ۱۳۷۶، چشم انداز سوسیالیسم مدرن،  
نشر آگه، چاپ اول.
۱۲. شکویی، حسین، ۱۳۶۹، جغرافیای اجتماعی  
شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر، نشر جهاد دانشگاهی.
۱۳. شکویی، حسین، ۱۳۶۴، جغرافیای کاربردی و

○ امروزه سیاست دولت  
کوبا این است که با حفظ  
اصول مارکسیسم، از  
مفاهیم سودمند  
سرمایه‌داری، مانند  
سرمایه‌گذاری مشترک با  
شرکت‌های کشورهای  
سرمایه‌داری نیز بهره‌گیرد.

نشر مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی،  
چاپ اول.  
۲۴. مارتینز، فرانسیسکو، ۱۳۶۴، سیاست فرهنگی  
کوبا، ترجمه دفتر پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی فرهنگی، نشر  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.  
۲۵. مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ایران،  
۱۳۸۰، اصلاحات در چین، نشر مؤسسه مطالعات و  
تحقیقات بین‌المللی ایران، چاپ اول.  
۲۶. هاروی، دیوید، ۱۳۷۶، عدالت اجتماعی و شهر،  
ترجمه فرخ حسامیان و دیگران، شرکت پردازش و  
برنامه‌ریزی شهری، چاپ اول.

#### منابع لاتین

1. Bryer, R.A. (1999) "Marx and Accounting", *Critical Perspectives on Accounting*, 10, pp. 683-709.
2. Harp, Gillis J., (1999), "The Marxisms of Eduard Bernstein and Sidney Hook", *History of European Ideas*, 25, pp. 243-250.
3. Hou, C.C, Hou, Jack. w. 2002, "Evolution of Economic Institutions and China's Economic Reform", *The Social Science Journal*, 39, pp.363-379.

مکاتب جغرافیایی، آستان قدس رضوی، چاپ اول.  
۱۴. شکویی، حسین، ۱۳۸۱، اندیشه‌های نو در فلسفه  
جغرافیا، گیتاشناسی، چاپ پنجم.  
۱۵. شکویی، حسین، ۱۳۷۹، دیدگاه‌های نو در  
جغرافیای شهری، سمت، چاپ چهارم.  
۱۶. شکویی، حسین، ۱۳۸۲، فلسفه‌های محیطی و  
مکتب‌های جغرافیایی، گیتاشناسی، چاپ اول.  
۱۷. عظیم‌زاده، اسد، ۱۳۷۹، کوبا و سوسیالیسم، نشر  
چشمه، چاپ اول.  
۱۸. فرید، یدالله، ۱۳۶۸، جغرافیا و شهرشناسی،  
انتشارات دانشگاه تبریز.  
۱۹. کتابی، احمد، ۱۳۷۷، «مالتوزیانیسم و مارکسیسم»،  
فصلنامه جمعیت، شماره‌های ۲۳ و ۲۴.  
۲۰. کتس، کلودیو، ۱۳۸۰، دولت شهر سوسیالیستی،  
انتشارات هرمس، چاپ اول.  
۲۱. گیلبرت، آلن، گاکلر، ژوزف، ۱۳۷۵، شهرها، فقر و  
توسعه، ترجمه پرویز کریمی، انتشارات روابط عمومی و  
بین‌الملل شهرداری تهران.  
۲۲. لامور، ژان، ۱۳۶۹، کوبا، ترجمه ابوالحسن سروقد  
مقدم، چاپ آستان قدس رضوی مشهد، چاپ اول.  
۲۳. لانگورث، جان دیبلو، ۱۳۷۹، توسعه روستایی چین  
با مقایسه‌های بین‌المللی، ترجمه مصطفی مهاجرانی،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی